

متن پرسش

با سلام: در مباحثه ای در مورد نماز با فردی که بنظر نیتشان باطل نمی آید و آگاهیشون میتونم بگم از من بیشتر هست و سابقه بیشتری در مطالعه و تحقیق عرفان داشته اند از عرفان های اوشو واین مکاتب اینچینی شروع کردند تا اکنون که به عرفان اسلامی رسیده اند به قول خودشون عرفان اسلامی از نوع ایرانی! به بن بست رسیده ام و چون پیچ آگاهی دارند در اینستاگرام و مطالبشون در دیگران تاثیر داره چون اکثر مطالبشون به حق منطبق با شریعت هست و خدمتتان آورده ام که مرا لطفا راهنمایی کنید چون این مباحثه همچنان متوقف شد به دلیل اینکه بنده آگاهی کافی ندارم و فکر می‌کنم جنابعالی می‌توانید در این راستا ما را راهنمایی فرمایید. به این جا رسیدیم که ایشون اولاً که گفتند گاهی اوقات نماز نمی‌خوانند اولین دلیلشان این بود که کاهلند ولی با اصرار بنده گفتند که زیرا دچار منیت می‌شوم. × ببخشید پس بنابراین شما مطلقاً پیرو راه اهل بیت نیستید بلکه راه خود رو می‌روید _ من خودم رو پیرو اهل بیت می‌دونم اگه لایق بدونند. اما درک من از راه و روش اهل بیت متفاوته × نماز واجب بوده فکر می‌کنم _ نماز به چه معنایی واجب بوده؟ اصلاً واجب بودن در شریعت معنا پیدا می‌کنه یا در طریقت؟ چطور شمر و علی هر دو نماز می‌خوندند. چطور نمازی بخونیم که شبیه علی باشیم آیا نماز حتماً باید به شکل گفته شده خونده بشه؟ چون شما در هنگام نماز انرژی زیادی رو از کیهان دریافت می‌کنید، لذا این انرژی اگر با خود باشید و خود پرست نفس شما را فربه تر می‌کند و اگر خدا پرست باشید حکم طنابی را دارد که شما را از چاه بیرون می‌آورد. ایشون میگن که هر چه انسان با ساختارهای روانی خود بیشتر آشنا بشه خب روش هایی برای خودش تعبیه می‌کند که سریعتر میتونه اتصال پیدا کنه و این روش ها مدام در حال تغییر هست و در شریعت فرق میکنه و هدف همان اتصال هست و ابزار وسیله هست. صلاه چیزی بیشتر از یک ابزار نیست. اما حقیقتاً ابزار قدرتمندی هست. اما زمانی که شما رو به روی کسی نشسته باشید دیگه نیازی نیست از تلفن استفاده کنید تا بهش زنگ بزنید و صحبت کنید. مگر اینکه برای مناسبات اجتماعی و تربیت سالکان کاری رو انجام بدین که بهش نیاز ندارید. "" "" "" "" "" ××××× خب جالبه این درسته ولی آیا منظورتون این هست که اگر فردی مسلمان به این درجه از آگاهی بالای جهان ذهنی برسه دیگه به نماز به این شکل که هست نیاز نداره؟ _ اون تشخیص خود فرد هست وچند روز بعد دیدم که استوری گذاشته اند و حرف از نماز بدون کلمات و اصوات گفتند و در توجیه و دفاعیه خود گفتند صرفاً شکل نماز یک مراسم کدگذاری شده برای عبور هست و بنده هم ابتدای مسیر تفکرانی مثل تفکرات الان شما داشتم که تعصب روی شکل نماز داريد. همچنین مثالی زدند؛ "عارف مسلمانی رومی شناختم که آگاهی بالایی داشت یک بار از ایشون

پرسیدم چرا نماز نمی خونید فرمودن بنده یک رکعت درست نماز خوندم و در پیشگاه حق قبول شد. دیگه نیازی ندارم...". به استحضار می‌رسانم که من به ایشان گفتم اون عارف شاید درست گفته ولی حرفش به این می‌مونه که من به اندازه کافی حد بردم از نماز دیگه نمیتونم ازش فیض ببرم وگرنه او هرچقدر در خداوند حل بشه نمیتونه در مقام یک جسم بجای خداوند فکر بکنه که تو نمازمو قبول کردی و دیگه استراحت کنم. و چه جهادی بهتر از نماز؟ و جناب استاد آن فرد در جواب گفتند که شما حرف ایشون رو با درک خودتون می‌سنجید. در واقع منظور ایشون این بوده که حد بنده در همین لحظه که اینجا نشستم با زمانی که در نماز هستم تفاوتی نداره. چون وحدت به روح جسم و جان من نفوذ کرده. عشق و عاشق و معشوق یکیست! در چنین جایگاهی فرق کعبه و بت خانه چیه؟ فرق انسان نشسته و در رکوع و در سجود و ایستاده چیه؟ هیچ تفاوتی ندارن. چون کثرتی وجود نداره. هرچه هست نمازه هرچه هست اوست هرچه هست برکت و حضور. وقتی دوییت نباشه. فرق بین جهاد و استراحت و خواب و بیداری هست؟ و من نیز نظرم را اینگونه بیان کردم که آره.. فرق هست. فرقی اینه فرد در طول روز رها میشه. یک جور عبادت و خلوت باید داشته باشه در مثالی دیگر مولانا را یاد کردند که "مولانا می‌گفت ما از اسلام مغز را برداشتیم پوست را بهر سگان (خران) بگذاشتیم به نظرتون غرور بوده؟" و بعد هم در آخر پیشنهادشون به بنده این هست که «این بخاطر درک ناقص ما از مقام وحدت. بنده پیشنهادم بهتون اینه که مکاتب دیگه ای رو هم مطالعه کنید و دنبال حقیقت در همه جا بگردین.» آخرین مثال ایشان را هم می‌آورم که گفته اند؛ نقل است که شیخ ابوسعید ابوالخیر، به دهی رسید. آنجا زاهدی بود در خودمانده و دماغی در خود پدید کرده. شیخ او را به دعوت خواند. او اجابت نکرد. گفت: «من زاهدم و سی سال است تا به روزهام و خلق دانند که چنین است.» شیخ گفت: «برو و غربالی کاه بدزد تا از خود برهی» یک دنیا تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال باید پرسید آیا ما با دستگاه فکری «اشوه» به اسلام باید رجوع بکنیم؟ یا با دستگاه خود اسلام و معرفت نفس به اسلام رجوع نماییم تا سیره پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» را ملاک قرار دهیم؟ پیامبری که تا آخر عمر در رعایت دستورات شرع مقدس، کوچک‌ترین کوتاهی نداشتند. و اتفاقاً برای حفظ آن حضور، همواره بیش از بقیه در انجام وظایف دینی تلاش می‌کردند. در این رابطه از عرفا داریم که:

محنت قرب ز بُعد افزون است

جگر از محنت قریم خون است

نیست در بعد جز امید وصال

هست در قرب همه بیم زوال

پس در مقام قربِ الهی همواره بیم زوال و جداشدن از آن مرتبه هست و لذا برای دفع هرگونه عامل غفلت به استغفار نیاز است. وقتی انسان هنوز در مقام قرب نیست می‌گوید **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** می‌رسم اما وقتی در مقام قرب وارد شد همواره نگرانی زوال آن حالت، او را به تلاش و عبادات بیشتری وارد می‌کند و لذا می‌گوید **«جگر از محنت قریم خون است»** حالا که حضرت رسول **«صلوات الله عليه وآله»** به قرب و به نبوت رسیدند هر شب نماز شب برایشان واجب است، تمام مستحبات که امامان معصوم (عليهم السلام) مقیدند انجام دهند به جهت حفظ مقام قرب است. موفق باشید